

بررسی جایگاه مقام ابراهیم در مناسک حج

معصومه امری*

روح‌الله آدینه*

چکیده

مقام ابراهیم، از «آیات بینات» و از جمله مسائل مهم در مناسک حج است که علما و دانشمندان در این زمینه بررسی و تحقیق بسیار کرده‌اند. با توجه به دلایل مشهود، هنگامی که ابراهیم نبی خانه کعبه و دیوارهایش را بالا می‌برد، وقتی دستش به آن نرسید، قطعه سنگی را زیر پایش قرار داد و نشان پای ایشان بر آن باقی ماند. آن حضرت، همچنین هنگام پند و اندرز مردم روی آن سنگ می‌ایستاد. دیدگاه‌های متفاوتی درباره معنای مقام وجود دارد که رأی مورد نظر همگان، همان قطعه سنگی است که نشان پای انسانی بر آن نقش بسته است. علت نام‌گذاری اش به «مقام ابراهیم»، جایگاه ویژه ابراهیم در میان انبیاست که خداوند بارها در قرآن کریم به آن اشاره کرده است. مقام ابراهیم، نماد پایداری، همبستگی، وحدت و بردباری برای تمامی اقشار است تا در برابر مشکلات و ظلم و ستم‌یگانگان با وحدت و یکپارچگی یکدیگر پیروز شوند. مقام ابراهیم همچنین راهنمای آنان برای دوری از ظلمت و رفتن به سوی کمال و

* . کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
masoome.amri1394@gmail.com

* . استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
dr.adineh@isr.ikiu.ac.ir

سعادت است و تسکینی است در برابر تمام مشکلات بروز جامعه. این تحقیق با منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - توصیفی است.

کلیدواژه‌ها: مقام ابراهیم، نماز طواف، آیات و روایات، مناسک حج.

مقدمه

مهم‌ترین بحث ما در این پژوهش، بررسی و پژوهش درباره «مقام ابراهیم» است. اینکه منظور از مقام ابراهیم چیست؟ چرا این مقام به مقام ابراهیم معروف شد؟ برای اثبات مقام ابراهیم چه دلایلی وجود دارد؟ مکان اصلی مقام کجاست؟ دلیل جابه‌جا کردن آن چیست؟

مقام به معنای ایستادگی است و منظور از مقام ابراهیم، قطعه سنگی است که ابراهیم خلیل برای انجام دادن اعمال مختلف، از جمله ساختن خانه کعبه، عبادت پروردگار و پند و موعظه مردم، بر روی آن می‌ایستاد که در آیات و روایات بسیاری به این موضوع اشاره شده است؛ از جمله آیات ۱۲۵ سوره بقره و ۹۶-۹۷ سوره آل عمران.

علت نام‌گذاری مقام ابراهیم، فرمان پروردگار جهانیان به حضرت ابراهیم برای انجام دادن فرائض حج، و دعوت کردن مردم به آن است تا مردم با دین ابراهیم آشنا شوند. مقام ابراهیم، فلسفه‌ای بسیار وسیع دارد تا جایی که در طی قرون موجب ایستادگی، وحدت و... در میان ملل مختلف شده است. اگر انسان‌ها رهنمودهای حضرت ابراهیم را توشه راه خود قرار دهند، از تمام منافع دنیوی و اخروی بهره‌مند می‌شوند. درباره مقام ابراهیم تحقیقات بسیاری انجام شده که صرفاً نگاهی تفسیری و تاریخی داشته‌اند. اما در این پژوهش علاوه بر زوایای قبل، از نگاه فلسفی نیز به این موضوع می‌پردازیم.

مفهوم شناسی

واژه ابراهیم با توجه به نظر برخی لغت‌شناسان، مرکب از «اب» به معنای پدر و «راهیم» به معنای رحیم است. اما برخی دیگر از لغت‌شناسان، بخش دوم را از ریشه رام به معنای بلندمرتبه، و مجموع کلمه را به معنای پدر عالی دانسته‌اند (ابوحیان، ۱۴۲۹، ص ۳۱۵).

مقام ابراهیم یعنی نشان دو پای آن حضرت بر روی سنگ نمایان است (سباعی،

۱۳۵۸، ص ۲۲۶).

برخی معتقدند که تمام حج مقام ابراهیم است. برخی نیز آن را عرفه، و برخی دیگر آن را مشعرالحرام و جمرات سه گانه دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۱۹۸).

پیشینه مقام ابراهیم

حضرت ابراهیم علیه السلام فرزند آذر یا بنا به روایاتی فرزند تارخ، و نام مادرش املیه یا نونا در برزه یا در سرزمین کلدان، زمانی که پدرش ۷۵ سال داشت، متولد شد. مادر ابراهیم از ترس اینکه نمرودیان فرزندش را به قتل برسانند، او را در غاری بزرگ کرد. او در جوانی با زنی نازا به نام ساره ازدواج کرد و به همراه وی به حران، شهری که مردمانش بت پرست بودند، سفر کرد. شهر حران در بین النهرین و بین اورفه و رأس عین بود. در آن زمان در حران تفکرات توحیدی ریشه دوانده و شرک و بت پرستی در هم آمیخته شده بودند (پیرامیه، ۱۳۸۴، ص ۷۹).

در آن روزگار، مردم شهر بابل و نواحی آن بت پرست، ستاره پرست و خورشیدپرست بودند. حضرت ابراهیم به فرمان الهی عزم کرد تا مردم را از خرافه پرستی نجات دهد. ابراهیم علیه السلام مردم را از پرستش بت‌ها نهی می کرد: اما آنها نمی پذیرفتند و می گفتند ما از نیاکان و پدران خودمان پیروی می کنیم. ابراهیم علیه السلام می گفت بت پرستی پدران شما خرافاتی بیش نبوده و تنها راه رهایی بخش، عبادت پروردگار جهانیان است. اوست که ما را غذا، و در هنگام بیماری شفا می دهد و اوست که می میراند و زنده می کند (عسقلانی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۶).

ابراهیم دعوت به یکتا پرستی را از پدر و اقوام خود آغاز کرد. او با کمال ادب به پدر خود گفت: «ای پدر، چرا چیزی را که نه می شنود، نه می بیند و نه... می پرستی؟» و از پدرش خواست از پروردگار پیروی کند و ستایش بت‌ها را کنار بگذارد؛ چون پرستش بت‌ها بزرگ‌ترین گمراهی است. او به پدرش می گفت: «پدر، علمی که خداوند آن را به من عنایت کرده، به تو داده نشده است. پس هدایت من را بپذیر». پدر ابراهیم سخنان او را نپذیرفت و از ابراهیم علیه السلام خواست دست از سخنانش

بردارد، و گرنه سنگسار می‌شود. ابراهیم علیه السلام از خداوند برای پدر طلب بخشش کرد (همان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷).

ابراهیم علیه السلام به دلیل منازعه با پدر و اقوامش به حران مهاجرت کرد. بر اساس روایات تاریخی، قبل از هجرت ابراهیم علیه السلام به حران، او دستور داد که از وطن خود دور شود و به حران که مکان امنی است، برود. بعد از حران ابراهیم به فلسطین، و سپس به مصر رفت.

بعضی از افراد از تفکرات ابراهیم پیروی کردند و دست از بت پرستی کشیدند. حضرت ابراهیم به دلیل سفرهای طولانی که داشت، اولین آموزگار هجرت نام گرفت. او برای ترویج خداپرستی حتی بسیاری از بیابان‌های خشک را نیز طی کرد. ابراهیم تمام ملت‌ها را با بوی خوش یکتاپرستی آشنا کرد. وقتی ابراهیم به کنعان سفر کرد، در آنجا خشکسالی بود و او برای نجات جان خود، همسرش ساره را به عنوان خواهر خود معرفی کرد. وقتی فرعون از این موضوع مطلع شد، هاجر را به عنوان کنیزه به ساره هدیه داد. ابراهیم همراه ساره و لوط از طریق صحرای نعب به شبه جزیره سینا و سپس فلسطین رفت و در میان بیت ئیل و عای مقام گرفت (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۶۲).

حضرت ابراهیم در کهنسالی از هاجر صاحب فرزندی به نام اسماعیل شد. ساره هم که نتوانسته بود صاحب فرزندی شود، خداوند در صد سالگی اسحاق را به او داد. ساره از ابراهیم درخواست کرد که هاجر و اسماعیل را از او دور کند و ابراهیم به فرمان الهی آنها را به مدت چهارده ماه به مکه برد. تورات از این مکان با عنوان صحرای فاران یاد می‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۵۲).

ابراهیم هاجر و فرزندش را در صحرا رها کرد. اسماعیل سخت تشنه بود. هاجر هفت بار به کوه صفا رفت تا آب بیابد؛ اما چیزی ندید. اسماعیل از شدت تشنگی پا به زمین زد و زمزم جاری شد. وقتی اسماعیل به سن بلوغ رسید، ابراهیم مأمور شد او را ذبح کند. اسماعیل به پدر گفت: «وقتی خواستی مرا قربانی کنی، دست و پایم را ببند

تا لباس خون آلودنشود و صورتم را بپوشان تا چشمانم را نبینی و دلت به رحم نیاید و بعد از قربانی کردن من، پیراهنم را به مادرم بده تا قلبش تسکین یابد.»
هنگامی که ابراهیم خواست با کارد گلوی اسماعیل را ببرد، کارد نبرید. ابراهیم این کار را دوباره تکرار کرد؛ ولی باز کارد نبرید. در این هنگام چون ابراهیم از آزمایش الهی سربلند بیرون آمد، خداوند قوچی را فرستاد تا به جای اسماعیل ذبح کند (بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲).

خداوند ویژگی هایی به ابراهیم عطا کرد که در کمتر پیامبری دیده می شود. او پدر پیامبران و جد بزرگ پیامبر اکرم ﷺ است. حضرت ابراهیم قبل از رسیدن به مقام امامت، از طرف خداوند به مقام نبوت نائل شده بود و در حین داشتن مقام نبوت، دو هدیه الهی یعنی اسحاق و اسماعیل به او عطا شد. پس مقام نبوت غیر از مقام امامت است. مقام های ابراهیم علیه السلام عبارت اند از: امامت، نبوت، عبودیت، رسالت و خلت. خداوند قبل از اینکه ابراهیم علیه السلام را به پیامبری مبعوث کند، او را بنده خود قرارداد و سپس او را خلیل، یعنی دوست خود معرفی کرد و او را امام و پیشوای مردم قرار داد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۴۹).

بعد آزمایش الهی، خداوند به ابراهیم عنوان خلیل الله را اعطا کرد. ابراهیم سالها با ظلم و ستم بت پرستان مبارزه کرد تا اینکه موفق شد تمام آنها را نابود کند. این کار او حرکتی بزرگ و ماندگار در تمام اعصار است (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۰۳).

از جمله آثار به جا مانده از حضرت ابراهیم، مقام ابراهیم است که با گذشت زمان و حوادث گوناگون در امان مانده است که در این مورد، آیات و روایات گوناگونی به ما رسیده و موجب ارج نهادن ملت های گوناگون به این مقام شده است. اقشار مختلف در حفظ و نگهداری این سنگ مقدس کوشا هستند. سنگ مقام در تمام اعصار، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، مقدس بوده است. مقام ابراهیم که در بنای کعبه جای مخصوصی نداشته و در خارج و کنار کعبه بوده، دچار جایجایی شده است. (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ص ۴۲۵).

ابراهیم مأمور شد تا خانه کعبه را برای ترویج توحید بنا کند. ایشان مدتی به دور از فرزندان زنگی می‌کرد. خداوند متعال به او دستور داد تا همراه اسماعیل به مکه باز گردد. بعد از اینکه آن دو به مکه رسیدند، هدف خود را با اسماعیل در میان گذاشت و با هم ساخت کعبه را شروع کردند. ابراهیم بنایی می‌کرد و اسماعیل مسئول تحویل دادن سنگها به او بود. آنها هنگام ساخت کعبه به نیایش پروردگار مشغول بودند. وقتی که ساخت کعبه به اتمام رسید، خداوند به آن دو فرمان داد تا کعبه را برای طواف آماده و تمیز کنند (بقره: ۳۷).

ابراهیم دعا کرد تا کعبه برای مسلمین مکانی امن و سرشار از خیر و برکت باشد (بقره: ۱۲۵ و ۱۲۶).

ابراهیم از خداوند متعال درخواست کرد: «دودمان یا خانواده من را بعد از من امام قرار ده». ولی خداوند فرمود: «پیمان و عهد من به ظالمان نمی‌رسد» (بقره: ۱۲۴). با توجه به منابع مختلف از اهل سنت و شیعه، مقام در گذشته به خانه کعبه چسبیده بوده است. با توجه به روایاتی از ارزقی، خداوند متعال به ابراهیم دستور داد که مقام را که کنار در کنونی کعبه قرار داشت، قبله قرار دهد و بعد از ابراهیم، اسماعیل نیز رو به روی در کعبه نماز می‌خواند. پیامبر اکرم ﷺ نیز هرگاه به مکه می‌رفت، چنان رو به روی کعبه می‌ایستاد که مقام پیش روی ایشان و میان آن حضرت و کعبه قرار می‌گرفت (ازرقی، ۱۹۸۶، ص ۲۰۸).

بنابراین قبله بودن مقام دارای سابقه‌ای طولانی در تاریخ است. البته با توجه به روایات تاریخی، مقام در گذشته به کعبه چسبیده بوده است (فاسی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۷). اما اینکه جایگاه مقام، چرا و چگونه و به دست چه کسی تغییر کرد، روایاتی در این رابطه آمده است:

۱. عمر بن خطاب مکان مقام را تغییر داد؛ اما پیش از اینکه او چنین کاری انجام دهد، سیلی به نام ام نهشل در مکه جاری شد و از در بنی شیبیه وارد مسجدالحرام گردید و مقام را جابه‌جا کرد و محل مقام را از بین برد. عمر که در ماه رمضان به قصد عمره به مکه آمده بود و از مردم درخواست کرد که جای اصلی مقام را به

او نشان دهند. مطلب بن ابی وداعه گفت: «چون من از این حادثه بیمناک بودم، مکان مقام را با نخ از حجر الاسود و حجر اسماعیل و چاه زمزم اندازه گرفته‌ام»، و عمر دستور داد آن نخ را بیاورند و اندازه مقام، مکانی شد که تا به امروز ثابت بوده است (سباعی، ۱۳۵۸، ص ۳۲۷).

۲. عمر دید جمعیت زائران هر سال بیش از پیش می‌شود و ترسید مقام از بین برود؛ به همین دلیل آن را جابه‌جا کرد (همان، ۱۳۵۸، ص ۴۵۴).

۳. با توجه به آیه «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیًّا» (بقره: ۱۲۵)، عمر مقام را جایگاهی برای نماز گزاردن قرار داد و این کار موجب جابه‌جایی مقام توسط عمر شد (حمیدی، ۱۳۲۳، ص ۱۶۹).

با توجه به روایات اهل سنت، مورد دوم صحیح‌تر است؛ زیرا سوره بقره که آیه «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیًّا» جزء آن است، در مدینه نازل شده و ارتباطی به عمر نداشته است. همچنین با توجه به منابع شیعی، اگر جاری شدن سیل ام‌نهلش صحت داشته باشد، مشخص می‌شود سیل، مقام را بعد از تغییر محل آن به دست عمر، جابه‌جا کرده و آن را به محل قبلی برگردانده است (همان، ۱۳۲۳، ص ۱۶۲).

با جابه‌جایی مقام به دست عمر، سؤالاتی درباره نماز طواف برای مردم پیش آمد. اینکه نماز پشت مقام کنونی صحیح است؟ و...

پاسخ: چون طواف دارای حد مشخص و معینی است، پس نماز طواف نیز حد مشخصی دارد و نباید در غیر آن محل خوانده شود، و آن، محل کنونی است، نه محل مقام در زمان پیامبر (شریعتی، ۱۳۹۸، ص ۴۳).

مقام به حفره توبه معروف شده و با توجه به روایات، آدم علیه السلام در آنجا از خداوند طلب بخشش کرده و خداوند نیز او را بخشیده است. این سنگ به علت ازدحام و تماس دست‌های مردم با آن، حالت اولیه خود را از دست داد، تا اینکه در دوره مهدی عباسی آن را با طلا پوشانده‌اند تا محافظی برای آن باشد. در دوره‌های بعد نیز در نزدیکی آن مکانی درست کردند که این مکان به مقام ابراهیم معروف شد. بزرگانی که در گذشته زندگی می‌کردند، گفته‌اند که نماز باید پشت مقام ابراهیم یا نزدیک آن برگزار شود، و منظور از

«فی مقام» همین امر است. افرادی مانند محقق حلی نیز به فی مقام اشاره کرده که مقصود همان مکانی است برای نماز گزاردن (طباطبایی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۵۵۶).

شهید ثانی در این باره می گوید:

اصل مقام همان سنگ است که ابراهیم خلیل هنگام بنای کعبه روی آن می ایستاده و اثر پای او در آن به جا مانده است. این سنگ در زمان ابراهیم به کعبه چسبیده بود. مدت ها بعد مردم این سنگ را به محل کنونی اش انتقال دادند و زمانی که پیامبر ﷺ به رسالت مبعوث شدند، آن را به محل قبلی اش برگرداندند و به همان حالت باقی ماند تا اینکه پس از رحلت پیامبر، خلیفه دوم سنگ را به محل کنونی انتقال داد. از آن زمان به بعد در نزدیکی این سنگ مکانی ساختند و آن را مقام ابراهیم نام گذاری کردند و این مکان، محلی بود برای نماز گزاردن زائران و به مقام ابراهیم معروف شد و بعدها روی آن سنگ قبه شیشه ای ساخته اند؛ همان طور که امروزه به نظر می رسد. بنابراین پشت مقام، محلی است برای نماز خواندن (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۶۴۷).

مقام ابراهیم از نگاه آیات

با توجه به آیاتی مانند ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران: ۹۶) مشخص می شود که کعبه قبل از ابراهیم ﷺ وجود داشته و حضرت آدم آن را بنا کرده است. برخی از دانشمندان برای اثبات وجود کعبه قبل از ابراهیم به آیه ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ﴾ (بقره: ۱۲۷) تمسک جسته اند. اما برخی دیگر از آنان با بیان روایت های زیادی در این زمینه، ابراهیم را بنیان گذار کعبه دانسته و احتمال ساخت کعبه را به دست آدم ﷺ ضعیف شمرده اند؛ چرا که مکان کعبه در ابتدا برای ابراهیم مشخص نبوده و جبرئیل، ابراهیم را بنیان گذار کعبه دانسته و به ساخت کعبه به دست آدم ﷺ اشاره ای نکرده است (بلاغی، ۱۳۵۸، ص ۲۱۵).

مقام ابراهیم از معجزات حضرت ابراهیم ﷺ است که در قرآن کریم بارها به آن اشاره شده است؛ از جمله اینکه نشانه و آیت بزرگ است: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾ (آل عمران: ۹۷). در تفسیر الاء الرحمن نیز آمده است: مقام ابراهیم از نشانه های آشکار ایشان است (بلاغی، ۱۳۵۸، ص ۲۱۷).

دیدگاه‌های مختلفی درباره اینکه چرا این سنگ به مقام ابراهیم معروف شده است وجود دارد:

۱. مکانی که حضرت ابراهیم موسم حج را اعلام کرده است: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ﴾ (حج: ۲۷)، (قمی، ۱۳۶۷، ص ۱۱۳).

۲. سنگی است که ابراهیم هنگامی که بنای کعبه را می‌ساخته روی آن می‌ایستاده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۵۴۵).

۳. سنگی است که ابراهیم پا روی آن گذاشت، هنگامی که همسر اسماعیل از ابراهیم خواست پیاده شود تا گرد و غبار را از سرش پاک کند (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۴)؛

۴. مکانی است که ابراهیم با خانواده خود خداحافظی کرد (ابن عربی، ۱۴۰۸، ص ۴۰).

امام باقر علیه السلام این سنگ را جزو سنگ‌های بهشتی به شمار آورده، آنجا که فرموده است: «نزلت ثلاثة احجار من الجنة الاسود استودعه ابراهیم و مقام ابراهیم و حجر بنی اسراعیل» (عیاشی، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

مقام ابراهیم در مقابل در کعبه قرار دارد و رنگ آن ما بین زرد و قرمز متمایل به سفید است. بر این اساس مسلمانان معتقدند این مکان به زمانی مربوط می‌شود که ابراهیم دیوارهای کعبه را بالا می‌برده است. وقتی که دیوار بالا رفت طوری که دست به آن نمی‌رسید، سنگی آوردند و ابراهیم روی آن ایستاد و سنگ‌ها را از دست اسماعیل می‌گرفت و دیوار کعبه را می‌ساخت. به همین علت اثر پای ابراهیم بر این سنگ نمایان شد؛ ولی از انگشتان او اثری نیست. از آن زمان به بعد، حجاج بعد از طواف واجب، پشت مقام ابراهیم نماز طواف می‌خوانند. از جمله نمازهای دیگری که پشت مقام خوانده می‌شود، طواف نسا است. (همان، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

بر اساس آیه ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾، همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، آن است که در سرزمین مکه واقع شده که مایه هدایت جهانیان است (آل عمران: ۹۶).

در مقام ابراهیم این بخش از آیت الکرسی نمایان است که: ﴿وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ (بقره: ۲۲۵).

قیام در مقام ابراهیم در حقیقت «قیام لله» است؛ به معنای درخواستن برای خدا و بر داشتن توحید و دوری از ظلم، در هر زمانی و برای هر نسلی. این قیام تا جایی اهمیت پیدا کرد که خداوند به ابراهیم دستور داد مردم را موعظه کند، و دلیل نماز گزاردن پشت مقام، پیروی از حضرت ابراهیم است: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ﴾ (سبا: ۴۶).

حج، دعوت به قیام خود را اغلب با حرکت و سکون اعلام می کند. همان طور که کعبه نماد پایداری و ایستادگی مردم است. بنابراین قیام در مقام ابراهیم نیز خود نوعی قیام و پایداری بنای کعبه، دعوت به توحید، نفی بت پرستی و... است (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰).

فلسفه اعمال حج با حضرت ابراهیم پیوند خورده است. در ادامه به برخی از آیات قرآن که در آنها به حضرت ابراهیم اسناد شده است، اشاره می کنیم:

۱. ابراهیم، نمونه انسان کامل؛ همه انسان ها می توانند در زندگی، حضرت ابراهیم را الگوی خود قرار دهند. سرمشق قرار دادن آیین ابراهیم، دوری از کفر و توکل به خدا نیز پیام این آیه است: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ﴾ (ممتحنه: ۴).

۲. ابراهیم به مقام دوستی با خدا رسید؛ و این زمانی است که انسان خود را تسلیم (حکم) خدا کند، راضی به قضای الهی باشد و از آیین ابراهیم حنیف پیروی نماید؛ ابراهیمی که خدا او را به مقام دوستی خود برگزید؛ ﴿وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ (نساء: ۱۲۵).

۳. ابراهیم یک امت بود؛ حضرت ابراهیم تمام ویژگی های یک انسان کامل را داشت و خداوند از او به عنوان یک امت یاد کرده است. او معلم همه خوبی ها و رهبر تمام خداپرستان است: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً﴾ (نحل: ۱۲۰).

۴. دین ابراهیم، دین حنیف است؛ اساس ادیان توحیدی واحد است و همگی آیین حنیف الهی به شمار می آیند، پیوند و همگرایی آن ها موجب ایجاد وحدت، صلح و دوستی در جهان می شود و هر کسی از آن پیروی نکند، مشرک است: ﴿... إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (بقره: ۱۳۵).

۵. ابراهیم اولین مسلمان بود؛ حضرت ابراهیم به حسب درجه و نحوه عبودیت و اخلاص، اولین مسلمان، و در برابر فرمان الهی تسلیم بود؛ ﴿وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ (انعام: ۱۶۳).

۶. ابراهیم وفادار به پیمان‌های الهی؛ حضرت ابراهیم تمام وظایف بندگی خود را، از جمله توحید، اخلاص و... به طور کامل انجام داد و به عهد خود وفا کرد. ایشان در برابر اوامر الهی صبر و بردباری می‌کرد و وظایف خود را به طور کامل ادا می‌نمود؛ ﴿وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ (نجم: ۳۷).

۷. ابراهیم برای کعبه امنیت خواست؛ خداوند شهر مکه را برای حضرت ابراهیم و ذریه‌اش امن قرار داد و این نتیجه درخواست‌های ایشان از خداوند است: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا﴾ (ابراهیم: ۳۵).

۸. ابراهیم سلام ویژه الهی را دریافت کرد؛ سلام ویژه خداوند برای بندگان نیکوکار و شایسته است؛ ﴿سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ (صافات: ۱۰۹).

۹. بازسازی کعبه به دست ابراهیم بود؛ هنگامی که حضرت ابراهیم با حضرت اسماعیل خانه کعبه را ساخت، از خداوند درخواست کرد که این خدمت بزرگ را از او بپذیرد. در ساخت خانه کعبه ابراهیم و اسماعیل مساوی نبودند؛ بلکه ابراهیم بنایی می‌کرد و اسماعیل سنگ به دست پدر می‌داد: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره: ۱۲۷).

۱۰. ابراهیم حلیم و بردبار بود؛ بردباری و صبوری از اوصاف حضرت ابراهیم بود. او در تمام درد و رنج‌ها به خداوند متعال پناه می‌برد و با تحمل رنج‌ها دلسوزانه برای نجات و یاری مردم تلاش می‌کرد: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾ (هود: ۷۵). آری، حضرت ابراهیم تمام خصلت‌ها را برای راهنمایی مردم و برپایی یک دین بزرگ به صورت یکجا داشته است.

منظور از مقام ابراهیم چیست؟

به این پرسش، دو پاسخ می‌توان داد؛ ۱. اجمالی ۲. تفصیلی:

پاسخ اجمالی

۱. منظور از مقام، قطعه‌ای از زمین در محدوده حرم مکی است که به تناسب گستره آن، احکام خاصی دارد. در این مورد چند دیدگاه وجود دارد:
الف) برخی از مفسران بر این باورند که مقصود از مقام همه حرم است که ابراهیم

در آنجا گام نهاده است (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۳). و ضمیر در جمله «من دخله» نیز به مقام بر می گردد و امنیت اعطایی را در همه حرم جاری می سازد و علت اینکه حرم را مقام دانسته اند، همین امر است، و مقصود خداوند از به کار بردن کعبه، صرفاً معنای کعبه نیست؛ مانند ﴿هَدِيًّا بِالْعِزَّةِ﴾ (مائده: ۹۵) و یا مانند سخن او در مورد مسجدالحرام که تنها مسجدالحرام مقصود نیست (جصاص، ۱۹۸۵، ص ۹۰).

ب) عطا، از تابعین، معتقد است که منظور از مقام ابراهیم، عرفه، مزدلفه و جمار است (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۸).

ج) از ابن عباس نقل کرده اند که منظور از مقام، همه محدودده حج است (همان، ۱۳۸۰ ص ۳۸۳).

د) منظور از مقام، مسجدالحرام است. ابوفتح رازی این بیان را به یکی از بزرگان به نام یمان نسبت داده است: (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ص ۱۶۳).

۲. بعضی از صاحبان تفسیر نوشته اند: ممکن است منظور از مقام ابراهیم در سوره بقره، کعبه باشد؛ چون ابراهیم نزد کعبه می ایستاد و به عبادت خدا می پرداخت و مردم را به توحید فرا می خواند. آلوسی در توجیه این موضوع می گوید: «منظور از مقام ابراهیم، مکانی است که او خانواده خود را در آن اسکان داد و این همان کعبه است که به سوی آن نماز می گزارند» (آلوسی ۱۴۱۵، ص ۳۷۸).

علامه طباطبایی معتقد است که خانه کعبه یا قسمتی از آن، مقام ابراهیم بوده است که در آنجا به عبادت خدا می پرداخته اند. ایشان بیان می دارد که این مطلب از تعبیر «مقام ابراهیم» که بعد از «فیه» آمده به دست می آید؛ به این معنا که در بیت، مقام ابراهیم است. ولی این بیان علامه با نظر او که مقام ابراهیم مکان مخصوص است، هماهنگ نیست؛ مگر با این توجیه که ابراهیم دو مقام داشته؛ یکی ابزاری برای ساختن کعبه و دیگری موضعی برای عبادت (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۳).

محمد طاهر کردی: اثر انگشتان ابراهیم به علت دست کشیدن مردم از بین رفته و فقط جای دو پاشنه او بر آن مانده است (ازرقی، ۱۹۸۶، ص ۱۱۳).

مقام ابراهیم به علت ارزش مادی و معنوی که در طول تاریخ داشته، مورد سرقت قرار می گرفته است (ازرقی، ۱۹۸۶، ص ۴۷۵).

امام سجاد علیه السلام: فاصله بین رکن حجرالأسود تا مقام، برترین مکان است: «افضل البقاع ما بین الرکن و المقام» (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ص ۲۴۵).

امام باقر علیه السلام: فاصله بین رکن و مقام، آکنده از قبور پیامبران الهی است: «ان ما بین الرکن و المقام لمشحون من قبور الانبیا» (کلینی، ۱۴۱۶، ص ۲۱۴).

امام باقر علیه السلام: امام مهدی [در روز عاشورا بین رکن و مقام ایستاده، قیام می کند: «کأنی بالقاءم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل علیه السلام ینادی: البیعه لله فیملاها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» (مجلسی، ۱۴۱۰، ص ۲۱۴).

زمانی که خداوند ابراهیم را آزمایش کرد و او به خوبی وظایف خود را انجام داد، خداوند او را به عنوان رهبر مردم قرار داد. البته این مقام در سالهای آخر عمر ابراهیم به او داده شد. علت اینکه مقام امامت در آخر عمر و بعد از مقام رسالت به او داده شد، این بود که ابراهیم از خداوند درخواست کرد خاندانش را نیز از امامان قرار دهد و دلیل دیگر، سربلندی ابراهیم در آزمون ذبح اسماعیل بوده است، و این نشان می دهد که تولد اسماعیل در اواخر عمر ابراهیم بوده است. (کلینی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۰).

امام صادق علیه السلام: پروردگار حضرت ابراهیم را پیش از پیامبری او، جزء بندگان خالص خود قرار داد. خداوند به ابراهیم مقام پیامبری، خلیل الله و رسول داد و به او فرمود تو را به عنوان امامی برای مردم قرار داده ام. پس آخرین سیر تکاملی او، امامت بوده که خداوند بعد از نبوت به آن حضرت داده است (همان، ۱۴۱۶، ص ۱۷۵).

زمانی که حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام کعبه را بنا می کردند، ابراهیم دستش به بالای دیوار نمی رسید؛ به همین علت سنگی زیر پایش قرار داد و قوت او به سنگ زیر پایش رسید، طوری که علامت و نشانه پایش روی آن ماند.

یا اینکه وقتی ابراهیم به دیدن اسماعیل رفت، همسر اسماعیل به او گفت: «سرت را پایین بیاور تا گرد و غبار را از سرت پاک کنم». ابراهیم نیز پای راستش را جلو برد و بر روی سنگی قرار داد. نشانه و علامت پایش در آن سنگ باقی ماند. البته واضح است که این مسئله به هر نحوی که انجام شده باشد، یکی از معجزات حضرت ابراهیم علیه السلام است (ازرقی، ۱۴۱۶، ص ۳۵۶).

پاسخ تفصیلی

بر اساس روایات در مکه و اطراف مسجدالحرام افرادی زندگی می‌کردند که نشانه‌های روشنی از خداپرستی و توحید و معنویت در آنها دیده می‌شد که بقای این نشانه‌ها در طول تاریخ در برابر دشمنان نیرومندی که قصد نابودی آنها را داشتند، یکی از معجزات الهی است. از حضرت ابراهیم آثاری از گذشته تا حال باقی مانده است؛ مانند صفا، مروه، رکن، حجرالاسود و... یکی از میان این نشانه‌های روشن، مقام ابراهیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

روایاتی از ائمه معصومین علیهم‌السلام در کتاب‌های معتبر در مورد مقام ابراهیم نقل شده است؛ از جمله:

شخصی از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر جمله ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ (آل عمران: ۹۷) سؤال کرد: «آیات بینات چیست؟» ایشان فرمودند: «مقام ابراهیم که ابراهیم بر بالای آن ایستاد و نشان پایش در سنگ باقی ماند، حجرالاسود و حجر اسماعیل (کلینی، ۱۴۱۶، ص ۲۲۳).

ابراهیم تیمی می‌گوید:

امام صادق علیه‌السلام بر من تکیه داد و فرمود: «ای ابراهیم، آیا می‌خواهی اجر طواف خود را بدانی؟» عرض کردم: «فدایت شوم، بله». فرمود: «هر کس با معرفت به خانه خدا بیاید و هفت بار طواف کند و دو رکعت نماز در مقام ابراهیم به جا آورد، خدای متعال ده هزار حسنه به او می‌دهد و ده هزار درجه بالاایش می‌برد (حلی، ۱۴۱۵، ص ۱۳۹).

بنابراین منظور از مقام ابراهیم، همین مقام معروف است که حجاج بعد از طواف پشت آن قرار می‌گیرند و دو رکعت نماز طواف به جا می‌آورند. فخر رازی در استدلال برای این مطلب ادله‌ای آورده است:

۱. با توجه به روایات، هنگامی که جابر طوافش را به اتمام رساند، به سمت مقام رفت و آیه شریفه ﴿وَالتَّحُّدُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُضِلًّا﴾ را تلاوت نمود. این دلالت دارد بر اینکه منظور از مقام ابراهیم، همین مکان معروف آن است؛

۲. مقام میان عرف به همین مکان اختصاص دارد؛ زیرا هر کسی از اهل مکه درباره مقام ابراهیم می‌پرسید، همین جایگاه و مکان را به او معرفی می‌کردند؛
۳. اینکه نشان پای حضرت ابراهیم روی سنگی بر جا مانده، روشن‌ترین علت برای وحدانیت خدا و معجزه ابراهیم خلیل است؛
۴. خداوند می‌فرماید: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید»، و هر جایی از حرم، غیر از مقام، تعلق خاصی به عبادت ندارد. پس باید همین مکان را مقام ابراهیم بدانیم؛
۵. با توجه به روایات، ثابت شده است که آن حضرت هنگام شستن پایش، روی این سنگ ایستاده؛ اما ایستادنش روی مکانی دیگر اثبات نشده است (رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۵).

بنابراین مقام ابراهیم سنگی است که نشان پای ابراهیم علیه السلام در آن نقش بسته است. با توجه به اطلاعات و منابع موجود که دلالت دارد بر اینکه این سنگ، سنگ اصلی است که ابراهیم روی آن می‌ایستاده تا دیوار کعبه را بالا ببرد. مقام ابراهیم کنار مطاف، روبه‌روی ضلع ملتزم قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۵۴۶).

با توجه به روایت‌های مختلف، اسماعیل و فرشتگان نیز در بنای کعبه به ابراهیم کمک می‌کردند و او در این کار تنها نبوده است (قمی، ۱۳۶۷ش، ص ۳۹۱).
با توجه به شواهدی که از گذشته بر جا مانده، مقام ابراهیم در عهد ابراهیم خلیل و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از فتح مکه و حکومت خلیفه اول به کعبه چسبیده بوده و در عصر خلیفه دوم به جای کنونی انتقال داده شده است.

شخصی به نام محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام در مورد محدوده طواف خانه کعبه پرسید و گفت: «آیا خارج از محدوده طواف کردن به منزله طواف نکردن است؟» ایشان فرمودند:

زائران در زمان پیامبر اطراف خانه و مقام طواف می‌کردند، ولی در حال حاضر زائران میان خانه و مقام طواف می‌کنند. پس حد مطاف جای مقام فعلی است و هر کس از آن بگذرد، گویی طواف کننده نیست و طواف او صحیح نمی‌باشد. حد مطاف در گذشته و امروز یکی است و آن، حد میان مقام و کعبه است. پس کسی که

دور تر از این مقام طواف کند، طواف به غیر خانه کرده است ... پس طوافی نکرده است (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۵۲).

نماز در مقام ابراهیم

دیدگاه طبرسی به مقام با توجه به تفسیر آیه ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾:

۱. محلی برای دعا کردن است؛
 ۲. این مکان را به عنوان قبله برای نماز گزاردن قرار دهد؛
 ۳. محلی برای نماز طواف است (طبرسی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۸۴).
- مقام ابراهیم صرفاً مکانی برای دعا کردن نیست. اینکه قطعه سنگ به عنوان قبله‌ای برای نماز گزاردن باشد، با توجه به فرض مانعی ندارد. چون تنها این قسمت به عنوان محاذی مقام قبله نیست. پس نماز گزار باید طوری بایستد که او و مقام و کعبه در یک راستا باشند. منظور از مصلاً قرار دادن مقام این است که باید نماز خاصی آنجا برگزار شود (همان، ۱۳۸۰ش، ص ۳۸۵).

ابن عربی معتقد است که مصلاً در آیه ﴿اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾ دو معنا دارد:

۱. مقام، جایی است که ابراهیم خدای خود را در آن جا خوانده است؛ مُصَلِّئًا را هم بعضی جایگاه و موضع دعا دانسته‌اند و برخی دیگر معنای اختصاصی مُصَلِّئًا را در نظر گرفته و آن را نمازگاه خوانده‌اند. (حمیدی، ۱۳۲۳ق، ص ۲۷۶).

ایشان پس از بیان این مطلب به چهار نکته اساسی اشاره می‌کند:

۱. مقام ابراهیم همین مقام معروف است؛
 ۲. صلاة در این مقام به طور مطلق دعا نیست؛ بلکه رکوع و سجود نیز دارد؛
 ۳. مشخص شدن وقت نماز، که بعد از طواف است؛
 ۴. واجب بودن دو رکعت طواف و اگر کسی آن را ترک کند، باید قربانی بدهد (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۵۱).
- کلمه ﴿اتَّخِذُوا﴾ در آیه ﴿اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾ بر وجوب دلالت دارد، نه استحباب (بیضاوی ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۵).

هر چند این آیه اطلاق دارد و نماز واجب و مستحب نزد مقام را شامل می‌شود، اما مفاد بعضی از روایات بر این است که نماز طواف مستحب را می‌توان در هر جای مسجد الحرام به جای آورد (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۹).

از طرف دیگر اشخاصی مانند طبری کیهراسی آیه «اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» را نیز صرفاً شامل نماز طواف نمی‌دانند؛ بلکه نماز غیر طواف نیز پشت مقام ابراهیم خوانده می‌شود (طبری کیهراسی، ۱۴۲۱، ص ۱۷).

مقام در هر جا که قرار گرفته باشد، باید نماز طواف نزد آن انجام شود؛ خواه مقام در جوار کعبه باشد و خواه در مکان کنونی، و باید مقابل نماز گزار قرار گیرد. همچنین که در صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام آمده است: «تَأْتِي مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ فَتُصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَاجْعَلُهُ أَمَاماً...» (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۶).

کیفیت نماز طواف هم این گونه است که پس از حمد مستحب است که سوره توحید و سوره جحد بین دو رکعت تقسیم شود. که در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم جحد نیز خوانده شود. علامه طباطبایی در کتاب نهاییه، در رکعت اول سوره جحد و در رکعت دوم توحید را سفارش می‌کند و در طواف نیز عکس آن را باید انجام داد. همچنین او بیان می‌کند که میان پیروان ما قول اخیر مشهور است؛ به دلیل صحیحہ از معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام که بیان کرده است:

«تَأْتِي مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ فَتُصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَاجْعَلُهُ أَمَاماً وَاقْرَأْ فِيهَا بِسُورَةِ التَّوْحِيدِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَفِي الرَّكَعَةِ الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ نَسَمَّ تَشْهَدُ وَاحْمَدِ اللَّهَ وَأَتْنِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَقْبَلَ مِنِّي» (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۹).

علت اینکه باید پشت مقام ابراهیم نماز نیاز و حضور به جای آورد، این است که ابراهیم و اسماعیل، هر دو مأمور خداوند و معمار قدیمی‌ترین معبد توحید در زمین هستند و تو اکنون در مقام ابراهیمی و به دست خدای ابراهیم دست بیعت داده‌ای. باید ابراهیم‌وار زندگی کنی و در عصر خویش معمار کعبه ایمانت باشی و از جور و ظلمت دوری کنی و به حرکت در آیی و به حج بخوانی آنها را و طواف به جای آوری (شریعتی، ۱۳۹۸، ص ۷۴).

نتیجه گیری

ابراهیم علیه السلام بنیان گذار خانه کعبه است. او قبل از بنای کعبه وفای به عهد کرده و تمام آزمایش های الهی را با موفقیت گذرانده است. ابراهیم نخستین کسی است که پروردگار به طور ویژه او را مورد عنایت خود قرار داده و از بسیاری از آسیب های زمانه محافظت کرده و بهترین و والاترین مقام را به او عنایت کرده است. مهم ترین مقام ابراهیم، خلیل الله بودن است؛ یعنی خداوند او را دوست خود قرار داده. از دیگر مقام های او، امامت و نبوت است. مقام ابراهیم یادواره استقامت، پایداری، بردباری، شکست ناپذیری، و برابری و برادری در راه خداست و مهم ترین ارزش آن، ایجاد وحدت و یکپارچگی میان مسلمین است. هر ساله هزاران زائر از ملل مختلف به زیارت خانه کعبه می روند و پشت مقام به صورت یکپارچه و هماهنگ نماز می خوانند. این خود به معنای وحدت همراه با قدرت مسلمین جهان است. در ظاهر، مقام ابراهیم قطعه سنگی است که ابراهیم خلیل برای ساخت کعبه و ادای فرایض و فرمان های الهی روی آن می ایستاده است. اما ارزش آن به دلیل پیغامی است که برای تمام انسان ها دارد که موجب زنده نگه داشتن دین ابراهیم، قوام، آزادگی، سعادت دنیوی و اخروی، خنثا کردن توطئه های مشرکان، و دوری از هرگونه تبعیض و سستی می شود.

مقام ابراهیم در کنار کعبه، اثری از ابراهیم است که از گذشته تا کنون حجاج پشت آن نماز گزارده اند؛ به طوری که مقام بین آنها و کعبه قرار می گرفته است. با اینکه هزاران سال از بنای کعبه به دست ابراهیم می گذرد و تغییرات بسیاری از نظر تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و... اتفاق افتاده، اما مقام ابراهیم از بین نرفته و همچنان ماندگار است.

منابع

* قرآن کریم

۱. آلوسی، شهاب الدین سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲. ابن بابویه (صدوق)، ابوجعفر بن علی (۱۳۶۶ش)، علل الشرایع، قم، مکتب الحیدریه.
۳. ابن بابویه (صدوق)، ابوجعفر بن علی (۱۳۶۳ش)، من لایحضر الفقیه، قم، مکتب الحیدریه.

۴. ابن حجر العسقلانی، احمد (۱۳۷۹ش)، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه .
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، التحرير و التنوير، بیروت، لبنان.
۶. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، احکام قرآن، بیروت، لبنان.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
۸. ابوحيان، محمد بن يوسف (۱۴۲۹ق)، البحر المحيط، بیروت، دار الفکر.
۹. ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۹۸۶م)، اخبار مکه، بیروت، دارالفکر، ج ۲.
۱۰. بلاغی، محمدجواد (۱۳۵۸ش)، تفسیر آلاء الرحمن، قم، بنیاد بعثت، چاپ اول.
۱۱. بهار، محمدتقی (۱۳۸۹ش)، مجمل التواریخ و القصص، تهران، ایران.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل و اسرار التاویل، سنندج، مسعود قادر مرزی، چاپ اول.
۱۳. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵ق)، السنن الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۴. پیر آمیه، شیرین (۱۳۸۴ش)، تاریخ عیلام، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. جصاص، احمد بن علی (۱۹۸۵م)، احکام قرآن، تحقیق محمدصادق قمحاوی، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، تنسیم (تفسیر قرآن کریم)، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ نهم.
۱۷. حلی، احمد بن فهد (۱۴۱۵)، عدة الداعی، قم، دار الکتب الإسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه.
۱۸. حمیدی، محمد بن فتوح (۱۳۲۳)، المجمع بین الصحیحین «البخاری و المسلم»، نشر، بیروت دارالحزم، چاپ دوم.
۱۹. رازی، ابو عبدالله فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۰. سباعی، احمد (۱۳۵۸ق)، تاریخ مکه، مکه و قم، انتشارات دار مکه.
۲۱. شریعتی، علی (۱۳۹۸ش)، تحلیلی از مناسک حج، بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی مزینانی، الهام.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، انتشارات معارف الاسلامیه.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسن (۱۳۷۸ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱.

۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰ ش) مجمع البیان، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۲۵. طبری کیهراسی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۲۱)، احکام قرآن، نشر بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱ش)، کتاب التفسیر، تهران، علمیه.
۲۸. فاسی، محمد بن احمد (۱۳۸۶)، شفا الغرام بالخیار البلد الحرام، تهران، نشر مشعر.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم، نشر دارالکتاب.
۳۰. کردی مکی شافعی، عبدالرحمن محمدطاهر (۱۴۰۰ق)، التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، بیروت، دار الخضر، چاپ اول.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۶ق)، اصول کافی، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق)، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۴ش)، اصطلاحات علم اصول، دار الحدیث.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۳۵. موسوی بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۶۷)، دائرة المعارف بزرگ الاسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ الاسلامی.